

به نام پروردگار مهربان

ویژه کنکور ۹۹

رشته
انسانی

به همراه سوالات کنکور ۹۸

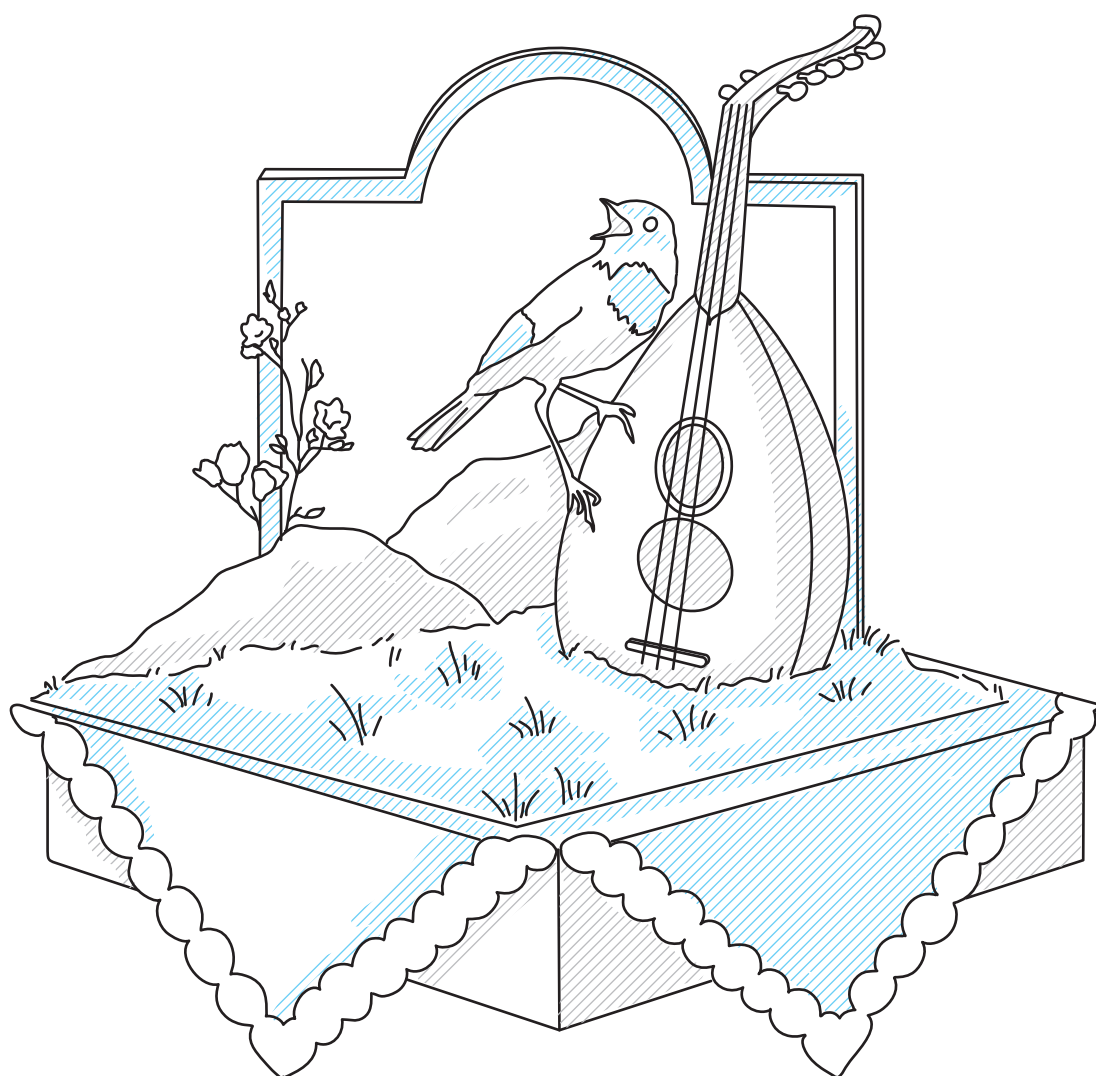


مهروماه

علوم و فنون ادبی

جامع کنکور علوم و فنون ۱، ۲ و ۳

سعيد عنبرستانی ■ سيد رحيم ميرعمادی



مقدمه

مقدمه مؤلفان

لفظ و معنی را به تیغ از یکدیگر نتوان برید کیست صائب تا کند جانان و جان از هم جدا
به نام خداوند جان و خرد
با تحول بنیادین نظام آموزشی و تغییر منابع درسی، مؤلفان محترم سازمان پژوهش و تألیف کتب درسی با ترکیب و درهم آمیختن کتاب‌های «تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱ و ۲»، «آرایه‌های ادبی» و «قافیه و عروض» مجموعه‌ای با عنوان «علوم و فنون ادبی» پدید آوردند که در هر سال و همزمان به همه این موضوعات می‌پردازد.
اهمیت فراوان درس «ادبیات اختصاصی» در کنکور گروه علوم انسانی و تنوع و گستردگی عناوین و موضوعات آن ما را بر آن داشت تا مجموعه‌ای در خور فراروی همکاران و دانش‌آموزان گرامی قرار دهیم. به این امید که مطالعه این مجموعه ارزشمند نیازهای عزیزان را برآورده سازد.

شیوه تألیف

این مجموعه به صورت «درس به درس» نوشته شده است تا قدم به قدم امکان و منابع لازم برای آموزش دقیق، جامع و کامل مطالب کتاب‌های علوم و فنون ادبی ۱، ۲ و ۳ فراهم شود.
ابتدا «درسنامه» کامل هر درس مجموعه جامعی از «تست‌ها و سوالات چهارگزینه‌ای» گنجانده شده است تا با پاسخ به آن‌ها و مطالعه «پاسخنامه تشریحی» ضمن سنجش آموخته‌ها، نکات مهم دروس، یادآوری و مرور شود.
در پایان هر فصل هم «آزمون فصل» تعبیه شده است تا آزمون و سنجش‌ای بر تمام آموخته‌ها باشد.

معرفی کتاب

■ در بخش «تاریخ ادبیات» سعی شده است تمام اطلاعات کتاب درسی از حالت تشریحی به صورت نمودار و نمایه‌های دیداری‌تر درآید تا به آموزش، طبقه‌بندی و حفظ مطالب کمک کند.
■ در بخش «سبک‌شناسی» هم پس از طبقه‌بندی نموداری مطالب حفظی، سعی کرده‌ایم «تحلیل متون» را به صورت جدول‌های هدفمند و دیداری در آوریم تا تحلیل متون شکل منطقی پیدا کند و دانش‌آموزان عزیز مسیری منطقی و مشخص برای پردازش و تحلیل اطلاعات خود داشته باشد.

■ در بخش «زیبایی‌شناسی شعر» همه پس از درسنامه دقیق و مفید، «آرایه‌های ادبی» در قالب نمودارهای هدفمند پردازش شده‌اند. تا ضمن بررسی دقیق تک‌تک آرایه‌های ادبی، با تمرین و تکرار این آموخته‌ها در متون نظم و نثر ملکه ذهن شوند.

■ در بخش «موسیقی شعر» به دو موضوع «قافیه» و «عروض» پرداخته شده است. برای یادگیری قافیه و اجزای آن کوشیده‌ایم ضمن آموزش کلی آموخته‌ها، را در قالب تمرین و تکرار آنها را به صورت جدول‌هایی درآوریم تا هریک از اجزا و قواعد قافیه در ابیات بسیاری شناخته و آموخته شوند.

■ در بخش «وزن شعر و عروض» سعی کرده‌ایم به روش تمرین و تکرار قدم به قدم از اولین گام‌های عروض تا اختیارات شاعری و بحرهای شعری آموخته و تمرین شود.

■ در بخش «ضمیمه» هم چند آزمون جامع از «آرایه‌های ادبی» و چند آزمون جامع «مطابق با کنکور سراسری» و کنکورهای سراسری داخل و خارج ۹۸ قرار داده‌ایم، تا با پاسخ به آن‌ها مسیر یادگیری به نحوی در خور و شایسته پایان یابد.

از شما سپاسگزاریم

مدیر محترم انتشارات جناب آقای احمد اختیاری، دوست دیرین و عزیزمان شه‌ریار قبادی، مدیر گروه ادبیات
◀ **همکاران ارجمند:** سرکار خانم دکتر طاهره سادات مرادی حسین‌زاده، جناب آقای کوروش کرمی، جناب آقای جمال‌الدین طباطبائی‌نژاد، جناب آقای دکتر علی احمدنیا و استاد بزرگوار جناب آقای اسماعیل محمدزاده که راهنمایی‌ها و یاری آن‌ها گره‌گشای ما بود.

◀ **ویراستاران محترم دیارتمان ادبیات مهروماه:** آقایان: داوود مژده، امیرحسین حیدری و سرکار خانم پریسا نوری
◀ **همکاران بخش تولید انتشارات مهروماه:** آقایان: رضا باغبانی، احمد مرادی، مصطفی خاتمی. خانم‌ها: سمیه حیدری، داوودی، برزنونی، شفیع‌ی و دمیرچی که مجدّانه در شکل‌گیری و تولید این کتاب زحمت کشیدند.

سعید عنبرستانی - سید رحیم میرعمادی
پاییز یک هزار و سیصد و نود و هفت

فهرست



علوم و فنون ادبی ۱

ستایش

۱۰

فصل یکم

۱۱

درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی

۱۵

درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار

۱۹

درس سوم: کالبد شکافی متن ۱ (شعر)

۲۴

درس چهارم: کالبد شناسی متن ۲ (نثر)

فصل دوم

۳۱

درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام

۳۳

درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی

۳۶

درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی (دوره اول - سبک خراسانی)

۴۱

درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم

۴۴

درس نهم: سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی)

فصل سوم

۵۱

درس دهم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی

۵۵

درس یازدهم: هماهنگی پاره‌های کلام (وزن شعر)

۶۳

درس دوازدهم: قافیه

۷۲

درس سیزدهم: وزن شعر فارسی

فصل چهارم

۸۷

درس چهاردهم: واج‌آرایی و واژه‌آرایی

۹۳

درس پانزدهم: سجع و انواع آن

۹۸

درس شانزدهم: موازنه و ترصیع

۱۰۳

درس هفدهم: جناس و انواع آن

۱۱۶

نیایش

علوم و فنون ادبی ۲



ستایش

۱۲۰

فصل یکم

۱۲۱

درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

۱۳۱

درس دوم: پایه‌های آوایی (وزن شعر فارسی)

۱۳۵

درس سوم: آرایه‌های ادبی - بیان - تشبیه

فصل دوم

۱۴۹

درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

۱۵۷

درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱)

۱۶۳

درس ششم: مجاز

فصل سوم

- ۱۷۴ درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم
۱۷۹ درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲)
۱۸۶ درس نهم: استعاره

فصل چهارم

- ۱۹۹ درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی)
۲۰۵ درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی
۲۱۲ درس دوازدهم: کنایه

نیایش

۲۱۷

علوم و فنون ادبی ۳



ستایش

۲۲۲

فصل یکم

- ۲۲۴ درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)
۲۳۲ درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان
۲۴۷ درس سوم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

فصل دوم

- ۲۵۶ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و مشروطه)
۲۶۰ درس پنجم: وزن شعر (عروض) - اختیارات شاعری
۲۷۰ درس ششم: آرایه‌های ادبی - بدیع معنوی

فصل سوم

- ۲۸۲ درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر)
۲۹۱ درس هشتم: وزن شعر فارسی (عروض) - اختیارات شاعری وزنی
۳۰۶ درس نهم: آرایه‌های ادبی - بدیع معنوی

فصل چهارم

- ۳۱۸ درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر (تا انقلاب اسلامی)
۳۲۳ درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی - نام‌گذاری وزن‌ها
۳۳۷ درس دوازدهم: آرایه‌های ادبی - بدیع معنوی

نیایش

۳۴۸

ضمیمه

- ۳۵۲ آرایه‌های ادبی جامع
۳۶۲ آزمون‌های جامع مطابق کنکور سراسری
۳۷۴ کنکورهای سراسری داخل و خارج ۹۸

پاسخنامه تشریحی

۳۸۳



سبک و سبک شناسی - سبک خراسانی

◀ **تعریف اصطلاحی سبک:** شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی

◀ **سبک شعر:** مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد.

◀ **سبک شخصی:** شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر



به تعداد شاعران و نویسندگان جهان سبک وجود دارد.

◀ **علت تعدد و فراوانی سبک‌های ادبی:** تفاوت و تنوع اطلاعات، دانش، ذوق و استعداد افراد

◀ **معروف‌ترین دیدگاه در طبقه‌بندی شعر:** نظریه ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی

انواع سبک بر اساس نظریه ارسطو:

◀ **نام شاعر و نویسنده:** مانند سبک فرودسی - سبک بیهقی؛

◀ **زمان و دوره اثر:** مانند دوره غزنوی - دوره مشروطه؛

◀ **موضوع و نوع:** مانند عرفانی - حماسی؛

◀ **محیط جغرافیایی:** مانند آذربایجانی - خراسانی؛

◀ **مخاطب:** مانند عامیانه - عالمانه؛

◀ **هدف:** مانند تعلیمی - فکاهی؛

◀ **قلمرو دانشی:** مانند علمی - فلسفی.



دوره‌های سبک شعر فارسی از نظر ملک الشعراء بهار:

◀ **سبک خراسانی یا ترکستانی:** از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم؛

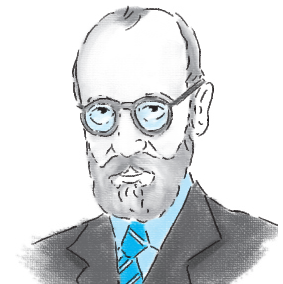
◀ **سبک عراقی:** از قرن ششم تا قرن دهم؛

◀ **سبک هندی:** از قرن دهم تا قرن سیزدهم؛

◀ **دوره بازگشت:** تمام قرن سیزدهم؛

◀ **دوره مشروطه**

◀ **دوره معاصر**



◀ **مبنای تقسیم‌بندی ملک الشعراء بهار از دوره‌های شعر فارسی حوزه جغرافیایی و دوره‌های تاریخی بوده است و می‌توان سبک‌های فرعی رانیز به آن افزود.**



دوره‌های نثر فارسی بر اساس تقسیم‌بندی ملک الشعراء بهار

◀ **دوره سامانی (سال ۳۰۰ تا ۴۵۰ هجری)**

◀ **دوره غزنوی و سلجوقی اول (سال ۴۵۰ تا ۵۵۰ هجری)**

◀ **دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی (سال ۵۵۰ تا ۶۱۶ هجری)** ◀ **دوره ساده‌نویسی (سال ۱۳۰۰ تا امروز)**

شعر سبک خراسانی

◀ **پیدایش نخستین آثار نظم فارسی در سیستان و خراسان بزرگ (خراسان کنونی، افغانستان، تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان)**

◀ **مشهور به سبک سامانی به علت رواج در زمان سامانیان**

◀ **سبک‌های فرعی شعر سبک خراسانی (بر حسب زمان): سامانی، غزنوی، سلجوقی**

◀ **سبک دوره سلجوقی را، سبک بینابین نیز می‌نامند؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن دیده می‌شود.**





معروف‌ترین شعرای سبک خراسانی

رودکی
فردوسی
ناصر خسرو

هر اثر را در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری می‌توان بررسی کرد.

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی (در سه قلمرو)

زبانی

- ◀ سادگی زبان شعر
- ◀ کمی لغات عربی (به جز اصطلاحات دینی و علمی) و لغات بیگانه
- ◀ تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با زبان امروز (یک - هزار)
- ◀ کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات
- ◀ استفاده از دو حرف اضافه (نشانه) برای یک متمم (به خانه اندر)
- ◀ نمونه:
- مهتری گر به کام شیر در است / شو خطر کن ز کام شیر بجوی
- یا بزرگی و عز و نعمت و جاه / یا چو مردانت مرگ رویاروی (حنظله بادغیسی)

ادبی

- ◀ قالب عمده شعر: قصیده
- ◀ شکل‌گیری قالب‌های مسسط، ترجیع‌بند، مثنوی و غزل (در اواخر این دوره رشد می‌یابد).
- ◀ آرایه‌های ادبی طبیعی و در حد اعتدال
- ◀ قافیه و ردیف ساده
- ◀ تشبیهات حسی در توصیف پدیده‌ها

فکری

- ◀ غلبه روح شادی، نشاط و خوش‌باشی
- ◀ واقع‌گرایی شعر
- ◀ طبیعی، ساده، محسوس و عینی بودن توصیفات
- ◀ معشوق عمدتاً زمینی
- ◀ حاکمیت روح حماسه بر ادبیات
- ◀ ساده، عملی و دستوری بودن اشعار پندآموز و اندرزگونه این سبک
- ◀ مضمون عمده اشعار این سبک: حماسه، مدح، اندرز و وصف
- ◀ ساده بودن فکر و کلام (هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و فلسفی آمیخته نشده است).

دوره‌های نثر سبک خراسانی:

- ◀ دوره سامانی
- ◀ دوره غزنوی و سلجوقی

ویژگی‌های نثر دوره سامانی:

- ◀ ایجاز و اختصار در لفظ و معنا؛
- ◀ تکرار فعل یا اسم به ضرورت معنی؛
- ◀ کوتاهی جملات؛
- ◀ رواج لغات کم‌کاربرد فارسی؛
- ◀ کاربرد بیشتر نشانه‌های جمع فارسی نسبت به عربی؛
- ◀ محتوای غالب آثار: علمی (اغلب آثار) و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی.

مهمترین نمونه‌های نثر دوره سامانی:

- ◀ ترجمه تفسیر طبری: دینی
- ◀ تاریخ بلعمی: تاریخی
- ◀ التفهیم: علمی
- ◀ شاهنامه ابومنصوری: حماسی

ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی:

- ◀ اطناب (طولانی بودن جمله‌ها)
- ◀ تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب
- ◀ حذف افعال به قرینه
- ◀ افزایش کاربرد لغات عربی

مهمترین نمونه‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی:

- ◀ قابوسنامه / تاریخ بیهقی / سفرنامه ناصر خسرو / سیاست‌نامه / کیمیای سعادت / کشف‌المحجوب

تحلیل متن



مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز همیشه شاد و ندانستمی که غم چه بود تو رودکی را، ای ماهرو، کنون بینی بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم

نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود سرودگویان، گویی هزاردستان بود شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود عصا بیار که وقت عصا و انبان بود

(رودکی)

ویژگی‌های زبانی	ویژگی‌های ادبی	ویژگی‌های فکری
واژگانی: • غلبه کاربرد واژگان فارسی • کمی واژگان عربی: نحس، قضا، طرب، نشاط • کاربرد ترکیبات ابداعی و خاص: فراخ‌میدان، سرودگویان • کاربرد واژگان متروک و کهن یا تلفظ و شکل تغییر یافته: لایل، دگر، کنون، همانا، هزاردستان، بدان، زان • معنای متفاوت فعل: بنوشت (درنوردید) / بسودن (ساییده شدن) دستوری: • جابه‌جایی ضمیر متصل (منت بگویم) • سادگی زبان • کوتاهی جملات • دستور تاریخی فعل: ندانستمی (ماضی استمراری) / بریخت (ماضی ساده) / بگویم (مضارع اخباری) / بنوشت (ماضی ساده)	آوایی: • نوع متن: نظم • قالب: قصیده • رعایت قافیه • به تناسب قالب قصیده رعایت ردیف پس از قافیه • واج آرایی • تکرار: دندان در بیت اول بیانی: • تشبیه: دندان: چراغ تابان / ماهرو (رو به ماه تشبیه شده) • کنایه: ریختن دندان (پیری) / فراخ میدان گنجایش بیش تر / شعرش همه جهان بنوشت (شهرت یافتن) / وقت عصا و انبان، (پیری) • مجاز: جهان (مردم) بدیع معنوی: • تضاد: نشاط و طرب و غم مراعات نظیر: نحس - کیوان	• نوع ادبی: غنایی • لحن: روایی - داستانی • جنبه فکری: واقع‌گرایی شعر • طبیعی، محسوس و عینی بودن توصیفات • سادگی فکر و کلام

چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم. بیستم صفر سنه ۴۳۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهر یور قدیم بود؛ شهری آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند و در تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می‌گفت؛ اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.

ویژگی‌های زبانی	ویژگی‌های ادبی	ویژگی‌های فکری
واژگانی: • واژگان عربی: صفر، سنه، قدیم، زلزله، هلاک، قطران، شاعر، شعر، مشکل، شرح، اشعار • واژگان فارسی خاص: نیک، خراب، آسیب، آدمی (شخص)، نیکو (خوب) آبادان (آباد) • واژگان غیرساده: شانزدهم، آبادان دستوری: • سادگی و کوتاهی جملات • سادگی زبان • دستور تاریخی فعل: بیاورد، بخواند، بپرسید، بنوشت (ماضی ساده) • کاربرد «را» در معنای حرف اضافه: چهاردهم صفر را • ایجاز و اختصار	آوایی: • نوع متن: نثر • نوع نثر: ساده (مرسل) بیانی: • فاقد آرایه‌های لفظی بدیع معنوی: • فاقد آرایه‌های بدیعی معنوی	• جنبه‌های فکری: واقع‌گرا / عینی • نوع لحن: توصیفی

به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!» خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.»

ویژگی‌های زبانی	ویژگی‌های ادبی	ویژگی‌های فکری
واژگانی: • کاربرد واژگان عربی: بوذرجمهر (معرب بزرگمهر)، رسم، ملوک، رسول، فلان، عالم، خجل، خسرو (معرب کسری) • کاربرد واژگان فارسی: روزگار، بار، وزیر، خدایگان، همگان، زاده شدن • تفاوت کاربردی واژگان: خدایگان (سرور، بزرگوار) دستوری: • کاربرد حروف اضافه «به» (به جای «در») • بلندتر شدن جملات • جابه‌جایی اجزای جملات • کاربرد حرف اضافه اندر (به جای «در») • دستور تاریخی فعل: دانی (مضارع اخباری)، دانند (مضارع اخباری)	آوایی: • نوع متن: نثر • نوع نثر: ساده (مرسل) بیانی: • فاقد آرایه‌های لفظی بدیع معنوی: • فاقد آرایه‌های بدیعی معنوی • تمثیل و مثل: «همه چیز را همگان دانند»	• نوع ادبی: غنایی • لحن: روایی - داستانی • جنبه‌های فکری: خردگرا، تعلیمی، ذهنی



تست‌های درس هفتم

۱۳۹. همهٔ گزینه‌ها به جز دربارهٔ «سبک» درست است.
- سبک در اصطلاح ادبی، شیوهٔ خاص یک اثر یا آثار ادبی است.
 - به شیوهٔ بیان هر نویسنده یا شاعر که با دیگران متفاوت است «سبک ادبی» می‌گویند.
 - مجموعهٔ ویژگی‌هایی که شاعر در نحوهٔ بیان اندیشه به کار می‌گیرد «سبک شعر» می‌گویند.
 - شبهات‌هایی در نحوهٔ بیان برخی از شاعران و نویسندگان وجود دارد که آنان را در یک دسته جای می‌دهد.
۱۳۰. به چه دلیل به تعداد شاعران و نویسندگان جهان، «سبک» وجود دارد؟
- متفاوت بودن اطلاعات، دانش، ذوق و استعدادهاى افراد
 - متفاوت بودن موقعیت جغرافیایی و تاریخی افراد
 - متفاوت بودن زبان شاعران و نویسندگان
 - تفاوت‌های نژادی و قومی شاعران و نویسندگان
۱۳۱. کدام گزینه ترتیب درست «سبک‌شناسی محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) را دربردارد؟
- سبک خراسانی، سبک هندی، سبک عراقی، دورهٔ بازگشت، مشروطه، معاصر
 - سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک هندی، دورهٔ بازگشت، مشروطه، معاصر
 - سبک عراقی، سبک خراسانی، سبک هندی، مشروطه، دورهٔ بازگشت، معاصر
 - سبک عراقی، سبک هندی، سبک خراسانی یا ترکستانی، دورهٔ بازگشت، مشروطه، معاصر
۱۳۲. تقسیم‌بندی محمدتقی بهار با توجه به دوره‌های تاریخی نثر فارسی در کدام گزینه به‌درستی نشان داده شده است؟
- دورهٔ سامانی، دورهٔ غزنوی و سلجوقی، سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان (نثر فنی)، دورهٔ سبک عراقی (نثر مصنوع)، دورهٔ بازگشت ادبی، دورهٔ ساده‌نویسی
 - دورهٔ سامانی، دورهٔ غزنوی، دورهٔ سلجوقی (نثر فنی)، سبک عراقی، دورهٔ بازگشت ادبی، دورهٔ ساده‌نویسی
 - دورهٔ سامانی، دورهٔ سلجوقی، سبک عراقی، بازگشت ادبی، ساده‌نویسی، دورهٔ معاصر
 - دورهٔ غزنوی، دورهٔ سلجوقی، دورهٔ خوارزمشاهیان (نثر فنی)، دورهٔ سبک عراقی (نثر مصنوع)، دورهٔ بازگشت، دورهٔ ساده‌نویسی
۱۳۳. کدام گزینه از موارد تقسیم‌بندی سبک بر اساس نظریهٔ «ارسطو» نیست؟
- بر اساس شیوهٔ بیان
 - بر اساس نام شاعر یا نویسنده
 - بر اساس زمان و دوره
 - بر اساس قلمرو دانشی
۱۳۴. کدام گزینه در مورد «سبک خراسانی» یا دورهٔ اول شعر فارسی نادرست است؟
- نخستین آثار نظم فارسی بعد از اسلام ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.
 - سبک خراسانی بر حسب زمان به سه سبک سامانی، غزنوی و سلجوقی تقسیم می‌شود.
 - از شعرای معروف سبک خراسانی می‌توان به رودکی، فردوسی و سعدی اشاره کرد.
 - سبک خراسانی در خراسان کنونی، افغانستان، تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان رواج یافت.
۱۳۵. همهٔ گزینه‌ها از ویژگی‌های زبانی شعر سبک خراسانی است، به جز
- سادگی زبان شعر
 - تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با زبان امروز
 - کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات
 - هجوم واژه‌های عربی و اصطلاحات دینی و علمی
۱۳۶. با توجه به بیت زیر از حنظلهٔ باد غیسی کدام ویژگی زبانی به چشم می‌خورد؟
- «مہتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی»
- تفاوت تلفظ کلمات
 - کهنه و مهجور بودن کلمات
 - کمی لغات عربی
 - استفاده از دو نشانه برای یک ممتهم
۱۳۷. کدام گزینه در مورد ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی مغایرت دارد؟
- استفاده از آرایه‌های ادبی طبیعی و در حدّ اعتدال
 - قافیه و ردیف‌های طولانی در شعر
 - استفاده از تشبیه حسی در توصیف پدیده‌ها
 - قالب عمدهٔ شعر این دوره «قصیده» است.
۱۳۸. همهٔ گزینه‌ها به جز از ویژگی‌های فکری سبک خراسانی است.
- روح شادی، نشاط و خوش‌باشی غلبه دارد
 - مضمون اشعار عمدتاً حماسه و مدح و اندرز است
 - روح تعلیم، پند و اندرز بر ادبیات این دوره حاکم است.
 - معشوق، عمدتاً زمینی است.
۱۳۹. کدام گزینه از ویژگی‌های فکری «سبک خراسانی» شمرده نمی‌شود؟
- فکر و کلام ساده و قابل فهم است.
 - اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره ساده است و جنبهٔ عملی و دستوری دارد.
 - شعر واقع‌گرا است و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.
 - فراوانی زهدستایی و وعظ و اندرز در شعر
۱۴۰. در بیت «چون بُناگوش نیکوان شد باغ / از گل سیب و از گل بادام» کدام ویژگی ادبی سبک خراسانی مشهود است؟
- استفاده از آرایه‌های ادبی خارج در حدّ اعتدال
 - استفاده از قالب قصیده
 - استفاده از تشبیه نوع حسی در توصیف پدیده‌ها
 - استفاده از تمثیل

۱۴۱. در کدام گزینه به ویژگی‌های نثر دوره سامانی اشاره نشده است؟

- (۱) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
 (۲) تکرار فعل یا اسم به ضرورت معنی
 (۳) بهره‌گیری بیش‌تر از لغات عربی
 (۴) کوتاهی جمله‌ها

۱۴۲. در عبارت زیر کدام ویژگی نثر دوره سامانی مشهود است؟

- (۱) تکرار فعل یا اسم به ضرورت معنی
 (۲) افزایش یافتن کاربرد نشانه‌های جمع فارسی به عربی
 (۳) لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد
 (۴) کوتاهی جملات

۱۴۳. کدام اثر به نثر دوره سامانی تعلق ندارد؟

- (۱) ترجمه تفسیر طبری (۲) کیمیای سعادت (۳) تاریخ بلعمی (۴) شاهنامه ابومنصوری

۱۴۴. همه گزینه‌ها به جز از ویژگی‌های نثر دوره سامانی است.

- (۱) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
 (۲) حذف افعال به قرینه
 (۳) بهره‌گیری کمتر از لغات عربی
 (۴) افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی

۱۴۵. همه گزینه‌ها از ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی هستند، به جز

- (۱) اطناب (۲) افزایش کاربرد لغات عربی (۳) حذف افعال به قرینه (۴) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی

۱۴۶. کدام گزینه معرف ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی است؟

- (الف) اطناب (جمله‌ها معمولاً طولانی هستند).
 (ب) لغات کم کاربرد فارسی
 (پ) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار عرب
 (ت) حذف افعال به قرینه
 (۱) الف - پ - ت - ج (۲) الف - پ - ث - ج
 (۳) الف - ب - پ - ث (۴) پ - ث - ب - ج

۱۴۷. از میان آثار زیر چند مورد به نثر دوره سامانی تعلق دارد؟

- «تاریخ بیهقی، کیمیای سعادت، ترجمه تفسیر طبری، سیاست‌نامه، التفهیم، تاریخ بلعمی، کشف‌المحجوب، شاهنامه ابومنصوری، قابوس‌نامه»
 (۱) پنج (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

۱۴۸. با توجه به ابیات زیر دو ویژگی زبانی شعر در کدام گزینه آمده است؟

- «مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود نبود دندان، لابل چراغ تابان بود
 یکی نماند کنون زان‌همه، بسود و بریخت چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود
 کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم عصا بیار که وقت عصا و انبان بود»

- (۱) سادگی زبان شعر - کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد
 (۲) تفاوت تلفظ برخی از کلمات - کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات
 (۳) استفاده از دو نشانه برای یک مضم - سادگی زبان شعر
 (۴) سادگی زبان شعر - تفاوت تلفظ برخی از کلمات

۱۴۹. در همه گزینه‌ها به جز نمونه‌ای از آثار نثری دوره غزنوی و سلجوقی موجود است.

- (۱) تاریخ بیهقی - قابوس‌نامه
 (۲) التفهیم - تاریخ بلعمی
 (۳) سفرنامه ناصر خسرو - سیاست‌نامه
 (۴) کیمیای سعادت - کشف‌المحجوب

۱۵۰. عبارت زیر به کدام دوره نثر تعلق دارد و از کدام اثر و نویسنده است؟

- «و در تبریز «قطران» نام شاعری را دیدم، شعری نیک می‌گفت؛ اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند.»

- (۱) دوره سامانی - تاریخ بلعمی از ابوعلی بلعمی
 (۲) دوره غزنوی و سلجوقی - تاریخ بلعمی از ابوعلی بلعمی
 (۳) دوره سامانی - سفرنامه ناصر خسرو
 (۴) دوره غزنوی و سلجوقی - سفرنامه ناصر خسرو

۱۵۱. در همه ابیات به جز ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی مشاهده می‌شود.

- (۱) نقل ما خوشه انگور بود از بر سر بر چون پر عقاب
 (۲) گل سوری به دست باد بهار سوی باده همی‌دهد پیغام
 (۳) من همانم که مرا روی همی اشک شخود من همانم که مرا دست همی جامه درید
 (۴) گفتم رخ تو بهار خندان من است گفت آن تو نیز باغ و بوستان من است

۱۵۲. مشهورترین ویژگی زبانی نثر زیر کدام است؟

- «خسرو از آن طیره شد و از رسول خجل گشت، پرسید که همه چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.»

- (۱) جابه‌جایی اجزای جمله
 (۲) کوتاهی جمله‌ها
 (۳) کاربرد دو حرف نشانه برای یک مضم
 (۴) کاربرد «اندر» به جای «در»

◀ همسان دولختی: حاصل تکرار متناوب دو پایه آوایی (رکن عروضی)؛ مثال:

میوه نمی‌دهد به کس باغ تفرج است و بس جز به نظر نمی‌رسد سیب درخت قامتش

می و نِ می	دَ هَدَ بَ کس	باغِ تَ فر	رُ جَسَ تَ بس
جُز بَ نَ ظَر	نِ می رَ سد	سِی بَ دِ رَخ	تِ قَا مَ تَش
- U U -	- U - U	- U U -	- U - U
مفتعلن	مفاعِلن	مفتعلن	مفاعِلن

◀ ناهمسان: حاصل وزن واژه‌های ناهمگون و غیر تکراری؛ مثال:

گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق بی‌حاصل است خوردن مستسقی آب را

گف تم مَ گر	بِ وصلِ رَ	ها بی بَ وُد	زِ عِشَق
بی حاصِ لس	ت خُر دَ نِ	مُس تَس قِ یا	بِ را
- U - -	U U - U	- U - -	- U
مستفعلن	مفاعِل	مستفعلن	فعل

برش آوایی دیگر:	U--	U-U-	U--U	-U-
وزن دوم:	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعِلن

برش آوایی (تقطیع به ارکان):

◀ برش آوایی: جداسازی نشانه‌های هجایی و یافتن نظم حاکم بر چینش آن‌ها

◀ حالت‌های برش آوایی (تقطیع به ارکان):

سه تایی (سه تا - سه تا) مثل: U--U/--U/--U/--U/--U // فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن ◀ همسان تکراری

چهار تایی (چهار تا - چهار تا) مثل: U--U/--U/--U/--U/--U // فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن ◀ همسان تکراری

چهار تا - سه تا مثل: U--U/--U/--U/--U/--U // فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن // مستفعلن، فاعِلن ◀ همسان متناوب (دوری)

سه تا - چهار تا مثل: U--U/--U/--U/--U // فاعِلن، فاعِلن // مفعول، مفاعیلن // مفعول، مفاعیلن ◀ همسان متناوب (دوری)

علاوه بر این، حالت‌های دیگری هم مثل: چهار تا - دو تا و چهار تا - یکی نیز وجود دارد که پر کاربرد نیست.

در میان حالت‌های مختلف برش آوایی (تقطیع به ارکان) هر حالتی که نظمی یکنواخت و تکراری داشته باشد، نسبت به دیگر حالت‌ها اولویت خواهد داشت؛ خواه همه خوشه‌های هجایی تکراری، یکنواخت و یکسان باشند؛ خواه به صورت متوالی و متناوب (دوری) این نظم رعایت شده باشد. به این حالت از قرار گرفتن پایه‌های آوایی و خوشه‌های هجایی «همسان» می‌گوییم.

اگر از خوشه‌های هجایی آخر هر مصراع، یک یا چند هجا کم شده باشد و اگر خوشه هجایی اول هر مصراع با خوشه دوم و خوشه سوم یکسان نباشد، پایه آوایی و خوشه هجایی «ناهمسان» خواهد بود که در این درس نمونه‌های آن را خواهید دید.

نمونه‌هایی از اوزان ناهمسان:

- فاعِلن مفاعِلن فاعِلن
- مفاعِلن فاعِلن مفاعِلن فاعِلن
- مفتعلن فاعِلن مفتعلن فاعِلن
- مستفعلن مفاعِلن مستفعلن فاعِلن
- مستفعلن فاعِلن مستفعلن
- فاعِلن مفاعِلن فاعِلن
- مفعول فاعِلن مفاعیل فاعِلن
- مستفعلن فاعِلن فاعِلن (مفعول مفاعِلن فاعِلن)
- مفعول مفاعِلن مفاعیلن

به حُسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

ب	حُس	نُ	خُل	قُ	وَ	فا	کَس	بِ	یا	رِ	ما	نَ	رِ	سَد	خوانش پایه‌های آوایی	
تُ	را	دَ	رین	سُ	خَ	نِ	کا	رِ	کا	رِ	ما	نَ	رِ	سَد		
ب	حُس	نُ	خُل	قُ	وَ	فا	کَس	بِ	یا	رِ	ما	نَ	رِ	سَد	مصرع ۱	تقطیع هجایی
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U			
تُ	را	دَ	رین	سُ	خَ	نِ	کا	رِ	کا	رِ	ما	نَ	رِ	سَد	مصرع ۲	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U			
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	خوشه‌های هجایی		
مفاعِلن				مفاعِلن				فاعِلاتن				مفاعِلن				وزن

ماه فرو ماند از جمال محمّد سرو نباشد به اعتدال محمّد

ما	ه	فُ	رُ	ما	نَ	دَز	جَ	ما	لِ	مُ	حَم	مَد	خوانش پایه‌های آوایی	
سَر	و	نَ	با	شد	بِ	اِ	تِ	دا	لِ	مُ	حَم	مَد		
ما	ه	فُ	رُ	ما	نَ	دَز	جَ	ما	لِ	مُ	حَم	مَد	مصرع ۱	تقطیع هجایی
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U			
سَر	و	نَ	با	شد	بِ	اِ	تِ	دا	لِ	مُ	حَم	مَد	مصرع ۲	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U			
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	خوشه‌های هجایی		
مفتلَعن				فاعِلات				مفتلَعن				وزن		

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

بِن	ما	ی	رُخ	کِ	با	عُ	گُ	لِ	تا	نَ	ما	رِ	زوست	خوانش پایه‌های آوایی	
بُگ	شا	ی	لَب	کِ	قَن	دِ	فَ	را	وا	نَ	ما	رِ	زوست		
بِن	ما	ی	رُخ	کِ	با	عُ	گُ	لِ	تا	نَ	ما	رِ	زوست	مصرع ۱	تقطیع هجایی
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U		
بُگ	شا	ی	لَب	کِ	قَن	دِ	فَ	را	وا	نَ	ما	رِ	زوست	مصرع ۲	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U		
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	خوشه‌های هجایی	
مستفَلَعن				مفاعِل				مستفَلَعن				وزن			

برش آوایی دیگر:	U--	U-U-	U--U	-U-
وزن دوم:	مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعلن

شاعر می‌تواند طبق اختیارات شاعری، هجای آخر مصرع را «کشیده» یا «کوتاه» بیاورد، ولی در وزن نهایی هجای «بلند» محسوب کند.



از کرده خویشتن پشیمانم جز توبه ره دگر نمی‌دانم

خوانش پایه‌های آوایی										
آز	کر	د	ی	خی	ش	تن	پ	شی	ما	نم
جز	تو	ب	ر	ه	د	گر	ن	می	دا	نم
مصرع ۱										
آز	کر	د	ی	خی	ش	تن	پ	شی	ما	نم
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
مصرع ۲										
جز	تو	ب	ر	ه	د	گر	ن	می	دا	نم
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
خوشه‌های هجایی										
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
وزن			مستفعل			فاعلات			مفعولن (مستفعل)	

برش آوایی دیگر:	U--	-U-U	---U
وزن دوم:	مفعول	مفاعِلن	مفاعِلن

شاعر می‌تواند طبق اختیارات شاعری در مقابل هجای بلند، یک هجای کوتاه بیاورد و مصوت کوتاه آخر آن هجای کوتاه را کش‌دارتر تلفظ کند تا هجای کوتاه (مانند هجای پنجم مصرع دوم) به اندازه یک هجای بلند امتداد پیدا کند و با هجای مقابل برابر شود.



هر وقت رکن اول مصرع «مستفعل» باشد، شعر وزن دوم دارد و لازم است علامت‌ها را دوباره بنویسیم و به صورت «سه‌تا - چهارتا» جدا کنیم.



باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

خوانش پایه‌های آوایی													
با	زین	چ	شو	ر	شس	ت	ک	در	خل	قی	عا	ل	مست
با	زین	چ	نو	ح	و	چ	ع	زا	و	چ	ما	ت	مست
مصرع ۱													
با	زین	چ	شو	ر	شس	ت	ک	در	خل	قی	عا	ل	مست
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U
مصرع ۲													
با	زین	چ	نو	ح	و	چ	ع	زا	و	چ	ما	ت	مست
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	U
خوشه‌های هجایی													
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
وزن			مستفعلن			مفاعِلن			مستفعلن			فعل	

برش آوایی دیگر:	U--	U-U-	U--U	-U-
وزن دوم:	مفعول	فاعلات	مفاعِلن	فاعِلن



شاعر در هجاهای ششم و دهم مصراع دوم مصوّت کوتاه «ه» را بلند تلفظ کرده است تا هجای کوتاه با هجای بلند مقابله برابر شود.

عید بر عاشقان مبارک باد عاشقان عیدتان مبارک باد

عی	د	بَر	عا	شِ	قان	مُ	با	رَک	باد	خوانش پایه‌های آوایی		
عا	شِ	قان	عی	دِ	تان	مُ	با	رَک	باد	خوانش پایه‌های آوایی		
عی	د	بَر	عا	شِ	قان	مُ	با	رَک	باد	مصراع ۱	تقطیع هجایی	
-	U	-	-	U	-	U	-	-	کَلِیَا			
عا	شِ	قان	عی	دِ	تان	مُ	با	رَک	باد	مصراع ۲		تقطیع هجایی
-	U	-	-	U	-	U	-	-	کَلِیَا			
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-	خوشه‌های هجایی		
وزن			فاعلاتن			مفاعِلن			فَعْلن (فَعْلن)			

گشته‌ام در جهان و آخر کار دلبری برگزیده‌ام که می‌پرس

گَش	تِ	اَم	دَر	جَ	هان	نُ	آ	خ	رِ	کار	خوانش پایه‌های آوایی		
دِل	بَ	ری	بَر	گُ	زی	دِ	اَم	کِ	مَ	پرس	خوانش پایه‌های آوایی		
گَش	تِ	اَم	دَر	جَ	هان	نُ	آ	خ	رِ	کار	مصراع ۱	تقطیع هجایی	
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	کَلِیَا			
دِل	بَ	ری	بَر	گُ	زی	دِ	اَم	کِ	مَ	پرس	مصراع ۲		تقطیع هجایی
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	کَلِیَا			
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	خوشه‌های هجایی		
وزن			فاعلاتن			مفاعِلن			فَعْلن				

شفای این دل بیمار جز لقای تو نیست طبیعت جان خرابم کسی ورای تو نیست

شِ	فا	یِ	این	دِ	لِ	بی	ما	ر	جُز	لِ	قا	یِ	تُ	نیست	خوانش پایه‌های آوایی		
طَ	بی	پِ	جا	نِ	خَ	را	بِم	کَ	سی	وَ	را	یِ	تُ	نیست	خوانش پایه‌های آوایی		
شِ	فا	یِ	این	دِ	لِ	بی	ما	ر	جُز	لِ	قا	یِ	تُ	نیست	مصراع ۱	تقطیع هجایی	
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	کَلِیَا			
طَ	بی	پِ	جا	نِ	خَ	را	بِم	کَ	سی	وَ	را	یِ	تُ	نیست	مصراع ۲		تقطیع هجایی
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	کَلِیَا			
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	خوشه‌های هجایی		
وزن			مفاعِلن			فاعلاتن			مفاعِلن			فَعْلن					

برداشته دل ز کار او بخت درماند پدر به جای او سخت

بَر	دا	ش	ت	دِل	ز	کا	ر	او	بَخت	خوانش پایه‌های آوایی
دَر	ما	ند	پ	دَر	ب	کار	ب	او	سَخت	
بَر	دا	ش	ت	دِل	ز	کا	ر	او	بَخت	تقطیع هجایی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U	
دَر	ما	ند	پ	دَر	ب	جا	ی	او	سخت	مصرع ۲
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U	
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	خوشه‌های هجایی
وزن			مستفعل			فاعلات			فعلن	
برش آوایی دیگر:			U--			-U-U			--U	
وزن دوم:			مفعول			مفاعِلن			فعلون	

ای سرو بلند قامت دوست وه وه که شمایلِت چه نیکوست

ای	سَر	و	ب	لَن	د	قا	م	ت	دوست	خوانش پایه‌های آوایی
وَه	وَه	ک	ش	ما	ی	لَت	چ	نی	کوست	
ای	سَر	و	ب	لَن	د	قا	م	ت	دوست	تقطیع هجایی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U	
وَه	وَه	ک	ش	ما	ی	لَت	چ	نی	کوست	مصرع ۲
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U	
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	خوشه‌های هجایی
وزن			مستفعل			فاعلات			فعلن	
برش آوایی دیگر:			U--			-U-U			--U	
وزن دوم:			مفعول			مفاعِلن			فعلون	

لبخند تو خلاصه خوبی‌ها است لختی بخند خنده گل زیبا است

لَب	خَن	د	تو	خ	لا	ص	ی	خو	بی	هاست	خوانش پایه‌های آوایی
لَخ	تی	پ	خَن	د	خَن	د	ی	گُل	زی	باست	
لَب	خَن	د	ت	خ	لا	ص	ی	خو	بی	هاست	تقطیع هجایی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U		
لَخ	تی	پ	خَن	د	خَن	د	ی	گُل	زی	باست	مصرع ۲
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U		
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	خوشه‌های هجایی	
وزن			مستفعلن			مفاعِلن			مفعولن		
برش آوایی دیگر:			U--			U-U-			---U		
وزن دوم:			مفعول			فاعلات			مفاعِلن		

بگشود گره ز زلف زرتار محبوبه نیلگون‌عماری

تار	زَر	فِ	زُل	زِ	رِه	گِ	د	شو	بِگ	خوانش پایه‌های آوایی	
ری	ما	عَ	گون	ل	نی	یِ	بِ	بو	مَح		
تار	زَر	فِ	زُل	زِ	رِه	گِ	د	شو	بِگ	تقطیع هجایی	مصراع ①
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-		
ری	ما	عَ	گون	ل	نی	یِ	بِ	بو	مَح	تقطیع هجایی	مصراع ②
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-		
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	خوشه‌های هجایی	
فعلن		فاعلات				مستفعل				وزن	
--U		-U-U				U--				برش آوایی دیگر:	
فعلون		مفاعلن				مفعول				وزن دوم:	

ترک‌گدایی مکن که گنج بیابی از نظر ره‌روی که در گذر آید

بی	یا	بِ	چِ	گَن	کِ	کُن	مَ	بی	دا	گِ	کِ	تَر	خوانش پایه‌های آوایی	
ید	را	ذَ	گَ	دَر	کِ	وی	رُ	زَه	رِ	ظَ	نَ	از		
بی	یا	بِ	چِ	گَن	کِ	کن	مَ	بی	دا	گِ	کِ	تَر	تقطیع هجایی	مصراع ①
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-		
ید	را	ذَ	گَ	دَر	کِ	وی	رُ	زَه	رِ	ظَ	نَ	از	تقطیع هجایی	مصراع ②
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-		
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	خوشه‌های هجایی	
فعل		مفتعلن			فاعلات			مفتعلن			وزن			

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند نیاز نیم‌شبی دفع صد بلا بکند

ند	کُ	بِ	ها	ر	کا	تُ	زِ	سو	کِ	ز	سو	بِ	لا	دِ	خوانش پایه‌های آوایی	
ند	کُ	بِ	لا	بَ	صد	عِ	دَف	بی	شِ	مِ	نی	زِ	یا	نِ		
ند	کُ	بِ	ها	ر	کا	تُ	ز	سو	کِ	ز	سو	بِ	لا	دِ	تقطیع هجایی	مصراع ①
-	U	U	-	U	-	U	لا	-	U	U	-	U	-	U		
ند	کُ	بِ	لا	بَ	صد	عِ	دَف	بی	شِ	مِ	نی	زِ	یا	نِ	تقطیع هجایی	مصراع ②
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U		
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	خوشه‌های هجایی	
فعلن		مفاعلن			فعلاتن			مفاعلن			وزن					

چشم دل باز کن که جان بینی آن چه نادیدنی است آن بینی

چش	م	دل	با	ز	کُن	ک	جان	بی	نی	خوانش پایه‌های آوایی
آن	چ	نا	دی	د	نی	ست	آن	بی	نی	
چش	م	دل	با	ز	کُن	ک	جان	بی	نی	تقطیع هجایی
مصرع ۱	U	-	-	U	-	U	-	-	-	
آن	چ	نا	دی	د	نی	ست	آن	بی	نی	مصرع ۲
مصرع ۲	U	-	-	U	-	U	-	-	-	
چش	م	دل	با	ز	کُن	ک	جان	بی	نی	خوشه‌های هجایی
U	-	-	-	U	-	U	-	-	-	وزن
فاعلاتن			مفاعلتن			فعلن (فاعلاتن، مفاعلتن، فعلن)				

در فصل‌های بعد با اختیارات شاعری و تبدیل اوزان بیش‌تر آشنا می‌شویم (فاعلاتن ← فاعلاتن - فعلن ← فعلن)



دانست که دل اسیر دارد دردی نه دوپذیر دارد

دا	نِس	ت	ک	دل	ا	سی	ر	دا	رَد	خوانش پایه‌های آوایی
دَر	دی	نَ	دَ	وا	پَ	ذی	ر	دا	رَد	
دا	نِس	ت	ک	دل	ا	سی	ر	دا	رَد	تقطیع هجایی
مصرع ۱	U	U	U	-	U	-	U	-	-	
در	دی	نَ	دَ	وا	پَ	ذی	ر	دا	رَد	مصرع ۲
مصرع ۲	U	U	U	-	U	-	U	-	-	
دا	نِس	ت	ک	دل	ا	سی	ر	دا	رَد	خوشه‌های هجایی
U	U	U	U	-	U	-	U	-	-	وزن
مستفعل			فاعلات			فعلن				
U--			-U-U			--U			برش آوایی دیگر:	
مفعول			مفاعلتن			فعلون			وزن دوم:	

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

دی	شی	خ	با	چ	را	غ	ه	می	گش	ت	گر	د	شهر	خوانش پایه‌های آوایی
کَز	دی	و	دَد	مَ	لو	لُ	مُ	اِن	سا	نَ	ما	رِ	زوست	
دی	شی	خ	با	چ	را	غ	ه	می	گش	ت	گر	د	شهر	تقطیع هجایی
مصرع ۱	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-	
کَز	دی	و	دَد	مَ	لو	لُ	مُ	اِن	سا	نَ	ما	رِ	زوست	مصرع ۲
مصرع ۲	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-	
دی	شی	خ	با	چ	را	غ	ه	می	گش	ت	گر	د	شهر	خوشه‌های هجایی
U	U	U	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	-	وزن
مستفعلن			مفاعلتن			مستفعلن			فعلن					
U--			U-U-			U--U			-U-			برش آوایی دیگر:		
مفعول			فاعلات			مفاعلتن			فاعلن			وزن دوم:		

۱۰۹۵. بیت «من جلوۀ شباب ندیدم به عمر خویش / از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام» به کدام وزن سروده شده است؟

- (۱) مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلن
(۲) مفعول فاعلاتن مفعولن فاعلن
(۳) مفعول، فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
(۴) مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن فعل

۱۰۹۶. بیت «گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی / شکنجه صبر ندارم بریز خونم و رستی» در چه وزنی سروده شده است؟

- (۱) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلن
(۲) مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع
(۳) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن
(۴) مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع

۱۰۹۷. وزن کدام بیت، «مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن» است؟

- (۱) از عدل جهان‌داران کردار به جا ماند
(۲) ای آتش سودای تو خون کرده جگرها
(۳) کوه به کوه می‌رسد، چون نرسد دلی به دل
(۴) این دردها که بر دلِ خاقانی آمده است
پس داد و نکویی به کردار جهان داری
بر باد شده در سرِ سوداری تو سرها
غصه بیدلی نگر هم ز غنایِ آسمان
یک یک نگر که بهر دوا می‌فرستمت

(انسانی ۹۳)

۱۰۹۸. وزن عروضی بیت «به رنج و سعی کسی نعمتی به دست آرد / دگر کس آید و بی‌رنج و سعی بردارد»، کدام است؟

- (۱) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن
(۲) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فع
(۳) مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فع
(۴) فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن

(خارج از کشور ۹۵)

۱۰۹۹. وزن عروضی بیت زیر کدام است؟

- «گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار
(۱) مستفعلُ فاعلاتُ فع
(۲) مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن
(۳) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
(۴) مستفعلُ مفعولن مستفعلُ مفعولن
صاحب‌دلان حکایت دل خوش ادا کنند»

۱۱۰۰. وزن کدام مصراع بر وزن «فعلات فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن» است؟

- (۱) ای ساریبان آهسته ران کارام جانم می‌رود
(۲) به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن
(۳) تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید
(۴) غمت در نهانخانه دل نشیند

(انسانی ۹۴)

۱۱۰۱. وزن بیت زیر، کدام است؟

- «جلوه‌کنان می‌روی و باز می‌آیی
(۱) مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع
(۲) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
(۳) مفتعلن مفتعلن مفاعِلن مفتعلن
(۴) مفتعلن فاعلن مفاعِلن فاعلن
سرو ندیدم بدین صفت متمایل»

(انسانی ۸۹)

۱۱۰۲. نام وزن عروضی بیت زیر چیست؟

- «آن ترک پری‌چهره که دوش از بر ما رفت
(۱) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
(۲) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
(۳) مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن
(۴) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت»

۱۱۰۳. کدام بیت در وزن «مستفعلن مفاعیل مفعولن» سروده شده است؟

- (۱) آه سعدی اثر کند در کوه
(۲) از ظلمت خود رهاییم ده
(۳) امروز به غم فزون‌تر از دی
(۴) دانی که را سزد صفت پاکی
نکند در تو سنگدل اثری
با نرود خود آشناییم ده
و امسال به نقد کمتر از پارم
آن کساو وجود پاک نیالاید

(خارج از کشور ۹۵)

۱۱۰۴. کدام گزینه از چهار بار تکرار «مفتعلن» ساخته شده است؟

- (۱) ای همه هستی ز تو پیدا شده
(۲) شاید اگر نظر کنی ای که ز دردم آگهی
(۳) ای که ملامت کنی عارف دیوانه را
(۴) با لب تو باد بُود سیرت نیکی و بدی
خاک ضعیف از تو توانا شده
ور نکنی اثر کند دود دل سحرگهی
شاهد ما حاضر است گر تو ندانی کدام
با رخ تو خاک بُود صورت مردی و زنی

(خارج از کشور ۹۵)

۱۱۰۵. کدام گزینه در وزن «مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن» سروده شده است؟

- (۱) تو خون خلق بریزی و روی در تابی
(۲) ای خسته دلم در خم چوگان تو گویی
(۳) ای باد که بر خاک در دوست گذشتی
(۴) صبای روضه رضوان ندانمت که چه بادی

۱۱۰۶. بیت «در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم» در چه وزنی سروده شده است؟

- (۱) مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
(۲) مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن
(۳) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
(۴) فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

آزمون فصل ۱

۱۱۳۶. انجمن ادبی خاقان توسط چه کسی تأسیس شد؟ و هدف آن چه بود؟

- ۱) فتحعلی شاه قاجار - به هدف رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و انحطاط بود.
- ۲) فتحعلی شاه قاجار - به هدف ایجاد تحولی در شعر سنتی و به وجود آوردن شعر نو
- ۳) نشاط اصفهانی - به هدف رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و انحطاط
- ۴) نشاط اصفهانی - به هدف ایجاد تحولی در شعر سنتی و به وجود آوردن شعر نو

۱۱۳۷. در عصر بیداری یا «مشروطه» کدام شهرها بازار سیاسی و مطبوعاتی پررونقی داشت؟

- ۱) اصفهان، شیراز
- ۲) تبریز، رشت
- ۳) تهران، رشت
- ۴) تهران، تبریز

۱۱۳۸. کدام یک از شاخصه‌های شاعران عصر بیداری نادرست است؟

- ۱) ایرج میرزا - جایگاه خانوادگی و تفکرات شخصی او مانع از آن شد که وی را در ردیف شاعران آزادی خواه مشروطه قرار دهند.
- ۲) سید اشرف الدین گیلانی - وی در بیداری مردم بسیار مؤثر بود؛ شعر انتقادی «ای قلم» او بسیار معروف است.
- ۳) ادیب الممالک فراهانی - فعالیت اصلی اش روزنامه نگاری بود؛ وی سردبیری روزنامه مجلس را بر عهده داشت.
- ۴) عارف قزوینی - عرصه هنر او در طنز، هجو و هزل بود و اندیشه‌های نوگرایانه در اشعارش مشهود است.

۱۱۳۹. در میان آثار زیر، انتساب چند اثر به مؤلف آن نادرست است؟

- «سبک شناسی: ملک الشعرا بهار / تاریخ تطوّر نظم فارسی: دهخدا / مجله دانشکده: ملک الشعرا بهار» / «شمس و طغرا: محمدباقر میرزا خسروی / داستان باستان: میرزا حسن خان بدیع / تاریخ بیداری ایرانیان: ناظم الاسلام / امثال و حکم: دهخدا / شمس الدین و قمر: میرزا آقا تبریزی»
- ۱) چهار
 - ۲) سه
 - ۳) دو
 - ۴) یک

۱۱۴۰. بیت زیر از کدام شاعر عصر بیداری است و به چه مناسبتی سروده شده است؟

- «فخر دو جهان خواجة فرخ اسعد مولاى زمان مهتر صاحبدل امجد»
- ۱) هاتف اصفهانی، میلاد پیامبر اکرم (ص)
 - ۲) ملک الشعرا بهار، میلاد علی (ع)
 - ۳) عارف قزوینی، وصف امام زمان (عج)
 - ۴) ادیب الممالک فراهانی، میلاد پیامبر اکرم (ص)

۱۱۴۱. گروهی از شاعران دوره بازگشت که به قصیده سرایی به سبک خراسانی و سلجوقی پرداختند به جز

- ۱) فروغی بسطامی
- ۲) صبای کاشانی
- ۳) قآنی شیرازی
- ۴) سروش اصفهانی

۱۱۴۲. چنان سوز و شوری در شعرش بود که را به یکی از دردمندترین شاعران عصر بیداری تبدیل کرد.

- ۱) ادیب الممالک
- ۲) عارف قزوینی
- ۳) سید اشرف الدین گیلانی
- ۴) میرزاده عشقی

۱۱۴۳. همگی از منتقدان شرایط اجتماعی دوره قاجاریه بودند به جز

- ۱) عباس میرزا
- ۲) میرزا فتحعلی آخوندزاده
- ۳) عبدالرحیم طالبوف
- ۴) میرزا آقاخان کرمانی

۱۱۴۴. همه گزینه‌ها به جز درباره محمد تقی بهار (ملک الشعرا) درست است.

- ۱) تاریخ احزاب سیاسی، نقد ادبی و تاریخ تطوّر نظم فارسی از آثار ارزشمند اوست.
- ۲) علاوه بر آشنایی عمیق با زبان فارسی و ادبیات کهن با مسائل جدید دنیا نیز آشنا بود.
- ۳) علاوه بر تحقیق و تدریس در دانشگاه، در سیاست و روزنامه نویسی نیز فعالیت داشت.
- ۴) وی با لحنی حماسی به سبک خراسانی شعر می سرود.

۱۱۴۵. از عوامل مؤثر در عصر بیداری کوشش‌های در روی آوردن به دانش و فنون جدید است.

- ۱) امیرکبیر
- ۲) عباس میرزا
- ۳) نشاط اصفهانی
- ۴) مظفرالدین شاه

۱۱۴۶. ارکان کدام بیت «ناهمسان» است؟

- ۱) هر کو شراب فرقت روزی چشیده باشد
 - ۲) دستم نمی رسد که در آغوش گیرم
 - ۳) ای گل وصل از تو عطر آگین نشد آغوش گرم
 - ۴) بگویم تا بداند دشمن و دوست
- داند که سخت باشد قطع امیدواران
ای ماه با که دست در آغوش می کنی
گرچه بشکفتی ولی در عالم خوابم شکفتی
که من مستی و مستوری ندانم

۳) بو: الف) رایحه، ب) آرزو و هوس

۱۳۷۲. (گزینۀ ۲) به قدر تشنگی شیرین بود آب: شیرین تنها به معنی گوارا است و معنی دیگری ندارد. در حالی که در سایر بیت‌ها هم اسم است و هم صفت.

۱۳۷۳. (گزینۀ ۳) قلب: الف) سکهٔ قلبی، ب) عضو بدن

۱۳۷۴. (گزینۀ ۲) ایهام سایر گزینه‌ها:

۱) مدام: الف) پیوسته، ب) شراب (۳) یا دلدار: الف) دلبر، معشوق، ب) یار نترس و شجاع / ۴) لاله: الف) گل لاله، ب) چراغ

شناخت واژه‌های ایهام‌دار برای تشخیص این آرایهٔ مهم بسیار ضروری است، واژه‌هایی مانند: پروانه: حشره، اجازه / قلب: مرکز سپاه، عضو بدن / رود: رودخانه، نوعی ساز، فرزند / نگران: در حال نگرستن، مضطرب / آهو: غزال، عیب / عود: چوب خوشبو، نوعی ساز / چنگ: عضو بدن، نوعی ساز / باز: پرند، دوباره، بستره / قانون: نام کتاب بوعلی‌سینا، قواعد / شفا: نام کتاب بوعلی‌سینا، درمان / آهنگ: قصد، موسیقی / پرده: حجاب، موسیقی

۱۳۷۵. (گزینۀ ۲)

۱۳۷۶. (گزینۀ ۴) در بیت «۴» ایهام تناسب وجود دارد.

۴) «روی» به معنی «چهره» است، ولی با در نظر گرفتن تناسب آن با «مس» و «زر» نوعی فلز در ذهن تداعی می‌شود؛ ولی مقصود گوینده نیست. روی سرخ تو: چهرهٔ سرخ و سالم تو ...

۱) «دور از تو»: الف) در دوری از تو، ب) از تو به دور باد جملهٔ داعی رایج.

۲) شمس: الف) خورشید، ب) شمس تبریزی مراد مولانا و تخلص او در این بیت است.

۳) فرصت در مصراع دوم: الف) زمان، ب) فرصت شیرازی سرایندهٔ شعر که تخلص او است. بسیاری از تخلص‌ها مانند شهریار، حافظ، سایه (تخلص هوشنگ ابتهاج)، رهی، مخفی (تخلص زیبالینسا) دارای ایهام هستند.

۱۳۷۷. (گزینۀ ۴) واژهٔ شیرین به دو معنی الف) صفت برای عشق، ب) نام معشوق به کار رفته و موجب زیبایی بیت شده است. این بیت مناظرهٔ بین خسرو و فرهاد است. در سایر بیت‌ها «ایهام تناسب» به کار رفته است.

۱) واژهٔ «گوشه: کنج» در مصراع دوم به سبب تناسب با ابزار موسیقی (چنگ و رباب) اصطلاح موسیقی نیز تداعی می‌شود.

۲) «رنگ: تمایل» ولی به سبب واژهٔ (سیاه) در مصراع دوم رنگ هم تداعی می‌شود.

۳) ماه: استعاره از معشوق است ولی به سبب تناسب با (هفته) و (سال) سی روز در ذهن تداعی می‌شود.

۱۳۷۸. (گزینۀ ۱) واژهٔ «دوران» در مصراع دوم به معنی «عهد و زمانه» است، ولی با توجه به واژه‌های ساقی، می و بزم معنی «به گردش در آوردن جام» نیز در ذهن تداعی می‌شود.

بررسی سایر بیت‌ها:

۲) دور از تو: الف) در دوری از تو، ب) جملهٔ داعی: از جانت به دور باشد. / ۳) گلستان: الف) باغ، ب) کتاب گلستان سعدی. این بیت در مقدمهٔ چگونگی تألیف کتاب گلستان آمده است. /

۴) سرگرم باش: الف) مشغول باش، ب) داغ شدن سر در اثر خوردن شراب

۱۳۷۹. (گزینۀ ۳) «دستان» در مصراع دوم: الف) دست‌ها، ب) حیل و مکر

در بیت «۲» چین در مصراع اول چین و شکن است و در مصراع دوم کشور چین و جناس تام دارد.

۱۳۸۰. (گزینۀ ۴) چپ ایهام دارد: الف) سمت چپ، ب) لوچ و دوبین / راست نیز ایهام دارد: الف) سمت راست، ب) حقیقت و درستی

در ایهام تناسب تنها یک معنی جایز است، معنی دوم به سبب مراعات نظیر در ذهن تداعی می‌شود؛ مانند موارد زیر:

۱) شیرین: مژه شیرینی، و خانم شیرین تنها در ذهن تداعی می‌شود به سبب تناسب با «شکر» که نام معشوقه خسروپرویز بود.

۲) مدام: پیوسته، معنی دوم آن که شراب است به سبب تناسب با «مست» در ذهن تداعی می‌شود.

۳) عود: نوعی ساز، معنی دوم آن که نوعی چوب خوشبو است، به دلیل تناسب با «سوختن» در ذهن تداعی می‌شود.

۱۳۵۸. (گزینۀ ۲) بررسی اختیارات شاعری: ۱) بلند شمردن هجای پایانی (وزنی)، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (چنگ) / ۲) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (مه غم) / ۳) بلند شمردن هجای پایانی (حسن گرفت)، حذف همزه (آن)، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (نزد) / ۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه (قلب) بلند شمردن هجای پایانی (مصراع اول)

پایه دوازدهم

درس ۹

۱۳۵۹. (گزینۀ ۱) اغراق به‌نوعی زیاده‌روی در بزرگ کردن یا کوچک نمودن امری است.

۱۳۶۰. (گزینۀ ۳) ۱) سر تا پا گوش بودن به‌نوعی اغراق در شنیدن و توجه است. / ۲) ناباور بودن پهنای چاه و بی‌شرمی به نوعی اغراق دارد. / ۴) نگاهش مثل خنجر بود، در نافذ بودن نگاه اغراق است.

۱۳۶۱. (گزینۀ ۳) ۱) از نفس فرشتهٔ آزرده شدن اغراق دارد. / ۲) کوه صبر چون موم شدن، اغراق دارد. / ۴) سنگ خارا چون موم است، اغراق دارد.

۱۳۶۲. (گزینۀ ۳) در الف) ناف بر زمین گذاشتن: کنایه از درمانده شدن شاعر می‌گوید باری که بر دوش من است خورشید را ناتوان می‌کند.

در (ت) آب بر آتش زدن: تسکین دادن. معنی بیت: سوز عشق مرا حتی آب دریا آرام نمی‌کند، مگر بوسه‌ای از یار مرا تسکین دهد.

(ث) لنگر دریای امکان کردن: اغراق دارد. معنی: جسمی را که برای رها کردن به تو داده‌اند، تو آن را با وابستگی‌ها مانند لنگر سنگین کرده‌ای.

۱۳۶۳. (گزینۀ ۲) ب) صد بار با چشم بسته از دریا گذشتیم اغراق دارد.

ب) هر کوچهای که هست به عالم دویدهای اغراق آمیز است.

۱۳۶۴. (گزینۀ ۳) روزی: الف) یک روز، ب) رزق و روزی (غذا)، نصیب و بهره

۱۳۶۵. (گزینۀ ۴) بو: الف) رایحه، ب) هوس و آرزو

۱۳۶۶. (گزینۀ ۱) واژهٔ «بو» در بیت نخست همان (رایحه) است و معنی دیگری ندارد. در حالی که در سایر ابیات هم به معنی الف) رایحه و هم ب) هوس، آرزو

۱۳۶۷. (گزینۀ ۳) واژهٔ عهد در مصراع دوم به زیبایی تمام ایهام دارد. الف) عهد و پیمان، ب) روزگار

۱۳۶۸. (گزینۀ ۴) واژهٔ «بو» در بیت ۴ همان «رایحه» است نه به معنی «آرزو».

سایر بیت‌ها: ۱) چون گریه بوی رایحه، ب) آرزو، هوس / ۲) به بوی تو مست: الف) رایحه، ب) آرزو، هوس / ۳) بی‌عرض گل بوی تو گل، بو نکنم: الف) رایحه، ب) آرزو / من بدون چهرهٔ خوشبوی تو دگر هیچ گلی را «بو» نمی‌کنم، آرزو نمی‌کنم و نیز واژهٔ «گل» به زیبایی تمام ایهام دارد. الف) گل، ب) استعاره از معشوق

۱۳۶۹. (گزینۀ ۱) اگر دقت کنید، در مصراع نخست «خراب» ایهام معنی دارد. خراب: الف) مست، ب) ویرانه و نیز در مصراع دوم عهد: الف) عهد و پیمان، ب) روزگار. من پیمان قدیم را استوار می‌کنم. / من بنای عهد و پیمانمان را محکم می‌کنم

در سایر بیت‌ها ایهام به کار نرفته است در بیت «۴»، «بو» تنها به معنی «رایحه» است نه هوس و آرزو.

۱۳۷۰. (گزینۀ ۴) ۱) نگاه‌دارش: الف) او را حفظ کن، ب) مانع او بشو. / قلب: الف) عضو بدن، ب) مرکز سپاه / ۲) چشم چپ: الف) لوچ و دوبین، ب) سمت چپ / راست: الف) درست، ب) سمت راست

من چشم دوبین و بیمار خودم را از حدقهٔ درمی‌آورم اگر بخواهد جز به درستی تو را مشاهده نکند. / من چشم سمت چپ خودم را درخواهم آورد که تنها از سمت راست تو را ببینم.

۳) مجنون: الف) دیوانه، ب) قیس (عاشق لیلی) / نظر بازی: الف) نظر بازی کردن، ب) یک‌فردنظر باز / ۴) واژهٔ «بو» در مصراع اول تنها به معنی «رایحه» است نه آرزو، در مصراع دوم فعل امر از بوییدن.

۱۳۷۱. (گزینۀ ۴) ۱) واژهٔ زال: الف) استعاره از سپهر یا دنیا، ب) پیر و فوتوت / دستان: الف) مکر، فریب، ب) پدر رستم با توجه به تلمیح موجود در بیت

۲) شاهدان: الف) گواهان، شهادت‌دهندگان، ب) زیبارویان